

تغییر و تحول بر اساس آموزه‌های ایناگرام

رهاییها و تصدیقها برای
رشد و بهبود تیپ شخصیتی شما

مؤلف:

دان ریچارد ریزو

نویسنده‌ی کتابهای پرفروش

(انواع شخصیتی: Personality Types)

(درک و فهم ایناگرام: Understanding the Enneagram)

(حکمت ایناگرام: The Wisdom of the Enneagram)

(کشف شخصیت خود: Discovering Your Personality Type)

ترجمه و تحقیق:

جعفر واعظی

ویراستاران:

احمد آخوندی - محسن جاویدمؤید



سرشناسه : واعظی، جعفر، ۱۳۴۱- گردآورنده، مترجم

عنوان و نام پدیدآور : تغییر و تحول براساس آموزه های اِنیَاگرام: رهاییها و تصدیقها برای رشد و بهبود تیپ شخصیتی

شما / ترجمه و تحقیق جعفر واعظی؛ ویراستاران احمد آخوندی، محسن جاویدمؤید.
تهران: انتشارات بازاریابی، ۱۳۹۶.

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری : ۲۴۸ ص.

شابک : 978-600-6982-67-0

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۲۵.

عنوان دیگر : رهاییها و تصدیقها برای رشد و بهبود تیپ شخصیتی شما.

موضوع : تیپ های شخصیتی نه گانه

موضوع : Enneagram

موضوع : شخصیت

موضوع : Personality

شناسه افزوده : آخوندی، احمد، ۱۳۴۱- ویراستار

شناسه افزوده : ویدمؤید، محسن، ۱۳۶۱- ویراستار

رده بندی کنگره : ۹۶ / ۵۲ و الف / ۳۵ / HF۶۹۸

رده بندی دیویی : ۵۵ / ۱۶

شماره کتابشناسی ملی : ۴۷۰۲۲۲۶



فاکس: (۰۲۱) ۶۶۴۳۱۴۶۱

تلفن: (۰۲۱) ۶۶۴۲۳۶۶۷ و (۰۲۱) ۶۶۴۳۴۰۵۵

WWW.MARKETINGPUBLICATIONS.IR

WWW.MARKETINGBOOKS.IR

چاپ اول / ۱۳۹۶ / تیراژ ۱۱۰۰

چاپخانه پایدار / صحافی البرز

تمامی حقوق محفوظ و متعلق به انتشارات بازاریابی است

مراکز توزیع:

شرکت توسعه مهندسی بازار گستران آتی (TMBA)

تهران؛ صندوق پستی: ۱۳۴۴۵ / ۱۳۴۴۵ تلفن: ۴-۰۲۸۴۰۱ (۰۲۱) ۶۶۰۲۸۴۰۵ فکس: (۰۲۱) ۶۶۰۲۸۴۰۵

پخش انتشارات بازاریابی: خیابان انقلاب، ابتدای خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۲۸۵، مجتمع کتاب فروردین،

طبقه همکف، واحد یک. تلفن: (۰۲۱) ۶۶۴۰۸۲۵۱ و (۰۲۱) ۶۶۴۰۸۲۷۱

قیمت: ۱۸/۰۰۰ تومان

TMBA از حمایت مادی و معنوی برند الدورا در چاپ این اثر قدردانی می کند.

فهرست مطالب

۹	سخن ناشر
۱۵	مقدمه‌ی مترجم
۳۷	تشکر و قدردانی مترجم
۴۳	■ بخش یک: رهایی از رنجها و تصدیق تواناییهای خود
۴۵	تغییر و تحول و ایناگرام
۵۲	معرفی خلاصه‌ای از ایناگرام
۶۹	کاربرد تغییر و تحول دهنده‌ها
۷۳	■ بخش دو: تغییر و تحول دهنده‌ها
۷۵	تیپ شخصیتی یک: تیپ اصلاح طلب
۸۱	تیپ شخصیتی دو: تیپ یاری دهنده
۸۶	تیپ شخصیتی سه: تیپ انگیزه بخش
۹۲	تیپ شخصیتی چهار: تیپ هنردوست
۹۷	تیپ شخصیتی پنج: تیپ فکور
۱۰۲	تیپ شخصیتی شش: تیپ وفادار
۱۰۷	تیپ شخصیتی هفت: تیپ تنوع طلب

۱۱۲ تیپ شخصیتی هشت: تیپ رهبر

۱۱۷ تیپ شخصیتی نه: تیپ صلح طلب

۱۲۳ ■ بخش سه: حرکت به سمت مرکز دایره ی اینیاگرام

۱۲۵ تصدیقها و تأکیدهای عمومی

۱۳۶ اینیاگرام و بهبود

۱۴۳ ضمیمه ی یک: آزمونها

۱۷۳ ضمیمه ی دو: رفتارهای بهبودبخش برای تیپهای مختلف شخصیتی

۱۷۷ ضمیمه ی سه: تیپ شخصیتی من

۲۲۵ فهرست منابع - مأخذ

۲۳۵ آشنایی با فعالیتهای شرکت توسعه مهندسی بازارگستران آتی (TMBA)

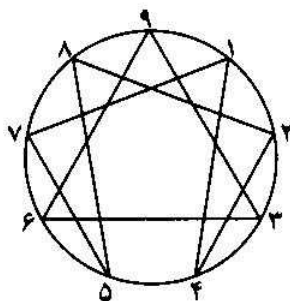
مقدمه‌ی مترجم

«اینیاگرام (تلفظ می‌شود: ANY-A-GRAM؛ انی-آ-گرام) یک شکل هندسی است که نه تپ شخصیتی اصلی طبیعت انسانی و روابط پیچیده‌ی بین آنها را ترسیم می‌کند. اینیاگرام از توسعه‌ی روانشناسی جدید به دست آمد است که ریشه‌های آن به حکمت‌های معنوی از منابع مختلف از سنت‌های دنیای باستان می‌رسد. لغت اینیاگرام از کلمات یونانی ساخته شده است: «ENNEA» از «NINE» و «GRAM.MOS» از «FIGURE». بنابراین، آن یک

۱- مترجم و محقق این کتاب، جعفر واعظی (متولد ۱۳۴۱ ش) دانش‌آموخته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی و فارسی، «کارآفرین کوچک عرصه‌ی کسب و کار» و «دانشجوی ابتدای تحول اینیاگرام» است و هیچ ادعایی در روانشناسی و رشته‌های مرتبط ندارد و به همین علت اکثر مطالب مقدماتی و متن و پاورقی‌ها ترجمه از منابع انگلیسی است. ناگفته نماند جعفر واعظی در هیچ زمینه‌ی دیگری ادعایی ندارد: «ما که ایم اندر جهان بیج بیج / چون الف او خود چه دارد هیچ هیچ». برای توضیح بیشتر رک: ضمیمه‌ی سه (۳) در آخر کتاب: تپ شخصیتی من، صص ۱۷۷ - ۲۲۴.

۲- در زبان فارسی، کلمه‌ی (ENNEAGRAM) به صورتهای مختلفی تلفظ و ثبت شده است: در کتاب «روانشناسی تپ‌های نه‌گانه» و کتاب «اینیاگرام؛ دریچه‌ای به فراسوی شخصیت» به صورت «اینیاگرام»، کتاب «تپ‌شناسی شخصیت» و کتاب «نظریه‌های روانشناسی شخصیت؛ رویکرد مقایسه‌ای» و کتاب «شخصیت‌شناسی، راه شما به سوی شادکامی چیست؟» و کتاب «اینیاگرام فارسی؛ انسان و ۹ تپ شخصیتی» به صورت «اینیاگرام»، در کتاب «خصوصیات شخصیت خود را کشف کنید» و کتاب «شناخت بهتر از خود و دیگران» به صورت «انیگرام»، در کتاب «اناگرام، شخصیت‌شناسی در محیط کار و زندگی» و کتاب «نگاهی نو به اناگرام؛ تپ‌های نه‌گانه‌ی شخصیت» به صورت «اناگرام»، در کتاب «انیگرام» یا تپ‌شناسی نه‌گانه‌ی شخصیت‌ها، به صورت «انیوگرام» و یا «انیگرام» و در کتاب «انیگرام؛ روش‌های نه‌گانه‌ی شناخت شخصیت»، به صورت «اینگرام»، و در کتاب «نه‌گانه‌ی شخصیت» به صورت «نه‌گانه».

شکل نه گوشه است.^۱



«ساختار انیگرام»

شکل ساختار انیگرام ظاهری پیچیده دارد در حالی که عملاً بسیار ساده است. ترسیم آن می‌تواند روشناخت انیگرام مفید واقع شود. ابتدا دایره‌ای رسم نموده و روی محیط آن، ۹ نقطه با فواصل مساوی مشخص کنید. نقاط مشخص شده را با اعداد ۱ تا ۹ مشخص کنید. هر یک از این نقاط، نشانه یکی از ۹ شخصیت اصلی است.

نقاط نه گانه روی محیط دایره، وسیله‌ی خطوط داخلی انیگرام به یکدیگر متصل می‌شوند. توجه کنید که نقاط شماره‌ی ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹ مثلث متساوی الاضلاع هستند. شش نقطه دیگر به شرح زیر به یکدیگر متصل می‌شوند: شماره‌ی یک به شماره‌ی چهار، چهار به دو، دو به هشت، هشت به پنج، پنج به شش و شش به یک. این شش نقطه یک شش ضلعی نامنظم را تشکیل می‌دهند. مفهوم خط «ارتباطی» بعداً شرح داده خواهد شد.^۲

«تاریخچه انیگرام»

انیگرام تیپهای شخصیتی یک ترکیب مدرن از سنتهای حکیمانه‌ی دنیای قدیم است، و کسی که برای اولین بار این سیستم را جمع‌بندی کرد، «اسکار ایچازو»^۳ بود. ایچازو در

۱- ترجمه از کتاب حکمت انیگرام، p9, The Wisdom of the Enneagram.

۲- نقل از کتاب: خصوصیات شخصیت خود را کشف کنید/ ۴۵، Discovering your personality type, p63.

۳- اسکار ایچازو Oscar Ichazo (متولد ۱۹۳۱ میلادی) در بولیوی که کتابهای زیر از ایشان به فارسی ترجمه شده است: نه گانه‌ی شخصیت (ترجمه: مجید آصفی)، تمرینات پیشرفته‌ی تن و روان (ترجمه: سایه ابوالحسنی)، و همچنین رک: مصاحبه با اسکار ایچازو (Interviews with Oscar Ichazo) چاپ اریکا (۱۹۸۲ میلادی).

بولیوی متولد شد و در آنجا و کشور پرو رشد یافت، اما وقتی جوان بود به بوئنوس آیرس نقل مکان کرد تا در مدرسه‌ای که خودسازی و خودباوری^۱ را آموزش می‌داد، به کسب دانش بپردازد. پس از آن به آسیا سفر کرد تا دانشهای دیگر را نیز قبل از برگشتن به امریکای جنوبی بیاموزد و بتواند آموخته‌های خود را ساماندهی کند.

او پس از سالها بسط و گسترش اندیشه‌های خود، مدرسه‌ی اریکا^۲ را به عنوان مرکزی به منظور انتقال دانشی که به دست آورده بود، تأسیس کرد و قبل از اینکه به ایالات متحده مهاجرت کند، در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ در شیلی آموزشهای خود را تدریس کرد و هم اکنون در ایالات متحده امریکا زندگی می‌کند. در سال ۱۹۷۰، هنگامی که ایچازو هنوز در امریکای جنوبی زندگی می‌کرد، یک گروه از امریکایی‌ها، از جمله روانشناسان و نویسندگان مشهور، مثلاً کلودیا نارانجو^۳ و جان لیلی^۴، به شیلی و مدرسه اریکا رفتند تا با ایچازو آموزش ببینند و زمانی که برای خودباوری را که ایچازو توسعه داده بود، تجربه کنند.

این گروه چند هفته را با ایچازو سپری کردند، اساس سیستم او را آموختند و درگیر تمرینهایی شدند که او به آنها آموزش داد. مدرسه‌ی اریکا، شبیه سیستمهای جدی دیگری که در خودباوری و خودسازی فعالیت می‌کنند، وسیع و درهم تنیده و مجموعه‌ای پیچیده از آموزشهایی درباره‌ی روانشناسی، کیهان‌شناسی، تائوئیسم، معنویت و دیگر علوم شبیه آن است که با تمرینهای گوناگونی برای تغییر و تحول^۵، سرآگاهی انسان آمیخته شده است.

یکی از نکات برجسته برای بسیاری از شرکت‌کنندگان، سیستمی از آموزش بود که بر پایه‌ی نماد قدیمی اینیاگرام پایه‌ریزی شده بود. نماد ایناگرام ریشه در دوران باستان دارد و

1. Inner Work

2. Arica School

۳- کلودیا نارانجو Claudio Naranjo (متولد ۱۹۳۲ میلادی) در شیلی، روانپزشکی که روان‌درمانی را توسعه داد، او یکی از توسعه‌دهندگان ایناگرام و از بنیانگذاران مؤسسه‌ی جستجوگران حقیقت است.

۴- جان لیلی John Lilly (۱۹۱۵ - ۲۰۰۱ میلادی) پزشک، عصب‌شناس، روانکاو، فیلسوف و نویسنده‌ی امریکایی است. او یکی از مطالعه‌گران طبیعت هوشیاری انسان است.

۵- باورقی نویسنده: «ما مخصوصاً مصاحبه با اسکار ایچازو (Interviews with Oscar Ichazo, Arica press, 1982) را توصیه می‌کنیم. آن مصاحبه درکی از فلسفه‌ی کامل ایچازو ارائه می‌دهد و با زبانی ساده گرایش او و استفاده از نه‌گانه‌ها، یا آنگونه که او می‌نامد: نه‌وجهی‌ها را توضیح می‌دهد.»

می‌توان ریشه‌ی آن را دست‌کم تا فیثاغورث^۱ پیگیری کرد. این نماد را جورج گورجیف^۲، بنیانگذار یک مدرسه‌ی خودسازی و خودباوری کاملاً مؤثر، به جهان امروز معرفی کرد.^۳ گورجیف، نماد را اساساً از طریق مجموعه‌ای از رقصها یا حرکات مقدس آموزش می‌داد تا به شرکت‌کنندگان، مفهومی مستقیم و محسوس از نماد ارائه بدهد و بتواند فرایندهای آن را نشان دهد. آنچه گورجیف آموزش نداد، سیستمی از تپهای مختلف بود که با نماد همراه بودند. گورجیف به شاگردان برجسته‌ی خود، چیزی را آشکار ساخت که خود آن را ویژگی اصلی آنها می‌نامید. ویژگی اصلی رکن اصلی ساختار شخصیتی یک نفر است - ویژگی اساسی که شخص را تعریف می‌کند. گورجیف معمولاً از زبانی متفاوت برای توصیف ویژگی یک شخص استفاده می‌کرد، او اغلب از سنت صوفی‌گری استفاده می‌کرد که به اشخاصی گفته می‌شد، چه نوع احمقی هستند. انسانها می‌توانستند احمقهای کله‌گرد، احمقهای کله‌چاق‌پوش، احمقهای ذهن‌گرای بیچاره، احمقهای وول‌زن و غیر آن باشند. اما گورجیف هرگز چیزی درباره‌ی یک سیستم فهم شخصیت که با نماد ایناگرام مرتبط باشد، چیزی نگفت.

۱- فیثاغورس یا فوثاغوراس (Pythagoras) با فلسفه‌ی یونانی که در حدود ۵۳۲ تا ۴۹۷ قبل از میلاد می‌زیسته است. رک: تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی/ ۱۱۱ - ۱۱۲.

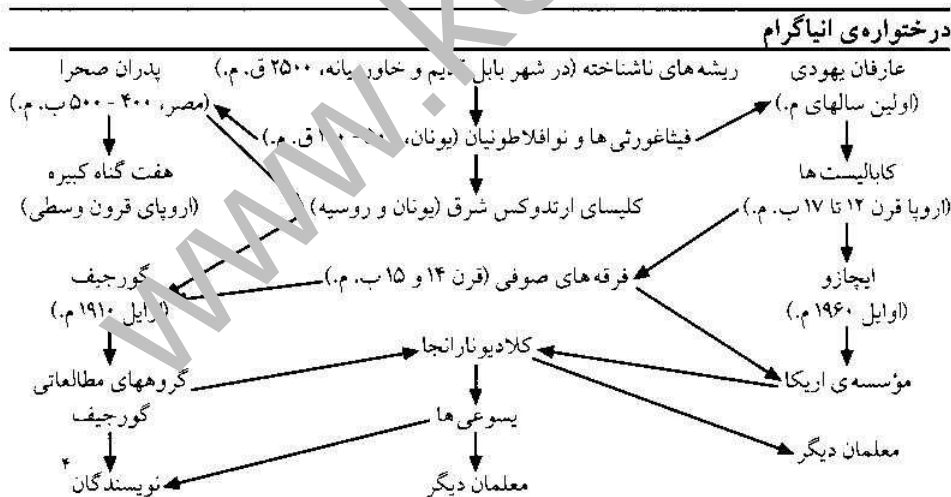
۲- پاورقی نویسنده: «ایچازو، ایناگرام را نه نشان فیثاغورس» امیده است. رک: Goldberg, 1993.

۳- جورج ایوانوویچ گورجیف George Ivanovitch George (۱۸۶۳ - ۱۹۴۹ م) استاد معنوی و فیلسوف بزرگ روسی - آلمانی، نوشته‌های گورجیف در سه جلد منتشر شده و به زبان فارسی نیز ترجمه شده است. خود نویسنده، کتابهای خود را به این صورت معرفی کرده است: «همه و همه چیز، ده کتاب در سه سلسله. سلسله اول: سه کتاب با نام تقد عینی و بیطرفانه زندگی مردم» یا «قصه‌های بلزیاب برای نوه‌اش». سلسله دوم: سه کتاب با نام مشترک «ملاقات با مردمان ترجمه». سلسله سوم: چهار کتاب با نام مشترک زندگی واقعی است، تنها زمانی که «من هستم». تمام این آثار بر پایه‌ی اصول تازه‌ی خردورزی منطقی نوشته شده و بشدت به منظور حل سه پرسش حیاتی زیر رهبری شده است: سلسله اول: نابود کردن سنگدلانه و بدون کمترین مصالحه‌ی باورها و دیدگاهها درباره‌ی هر چیزی که در دنیا است و سده‌ها در اندیشه و رزی و احساسهای خواننده ریشه دوانده است. سلسله دوم: آشنا کردن خواننده با موادی که برای آفرینش تازه لازم است و اثبات درستی و سلامت و کیفیت خوب آن. سلسله سوم: کمک به پدید آمدن بازنمودی سنجش‌پذیر و غیرخیالی از دنیایی که در واقعیت در اندیشه و رزی و احساسهای خواننده هستی دارد و نه دنیایی اوهامی که اینک درک و دریافت می‌کند» (نقل از قصه‌های بلزیاب برای نوه‌اش/ ۶).

۴- «درک و فهم (بینش) را از شرق، و علم و منطق (دانش) را از غرب فراگیرید و سپس به جستجوی خود ادامه دهید.» (گورجیف به نقل از The wisdom of the enneagram, p20)

به خاطر اینها و سایر دلایل، بسیاری از علاقه‌مندان اولیه‌ی ایناگرام، به اشتباه سیستم تپیه‌ای نه گانه را به گورجیف یا به دلیل استفاده گورجیف از بعضی از سنتهای صوفی گری، به صوفیان نسبت داده‌اند. این مسأله منجر به این باور گسترده و نادرست شده است که سیستم ایناگرام از صوفیان یا سایر مکاتب باستان از طریق نقل قولهای کلامی^۲ منتقل شده است. اگر چه درست است که ایجازو دانش خود را از تعدادی از این سنتهای باستان فرا گرفته است، اما ترکیب واقعی آن سنتها با نماد ایناگرام، صرفاً کار خود ایجازو می باشد. بنابراین، ایناگرام سنتی فقط به سالهای ۱۹۶۰، زمانی که ایجازو برای نخستین بار آنها را آموزش می داد، برمی گردد، هر چند که فلسفه‌ی موجود پشت ایناگرام شامل مؤلفه‌هایی از عرفان یهود، مسیحیت، اسلام، تائوئیسم، بودایی و فلسفه‌ی کهن یونان است (بوژه سقراط، افلاطون و نو افلاطونان) تمام سنتهایی که به عهد باستان برمی گردد.

ما در کتاب «تپیه‌های شناخته‌شده»^۳ تاریخچه‌ای کاملاً مفصل از این سیستم ارائه کرده ایم. «نموداری از خطوط به صورت درخت»^۴ که ما تا اینجا مشاهده کرده ایم ممکن است کمک کند تا تاریخچه‌ی ایناگرام روشنتر درک شود.^۵



منبع: کتاب تپیه‌های شخصیتی، p23, Personality Types

1. Personality Types, p 11-26

۲- ترجمه از کتاب: درک و فهم ایناگرام: p31-33, Understanding the Enneagram

۳- رک: p23, Personality Types

۴- دان ریچارد ریزو و راس هادسون

«تئوری انیاگرام»

انیاگرام به هیچ وجه اولین تیپ‌شناسی شخصیتی نیست. جستجو برای تیپ‌شناسی درست هزاران سال پیش شروع شده است^۱، اگر خیلی عقب‌تر نرویم، شروع آن با فیلسوفهای یونانی است. شرح و بسط تئوری چهار طبع یا مزاجهای انسانی بقراط^۲ به جالینوس (۱۳۰؟ - ۲۲۰؟ قبل از میلاد)^۳ نسبت داده می‌شود: مزاجهای صفراوی، سوداوی، بلغمی و دمی که به ترتیب بر حسب غالب بودن میزان یکی از مایعات موجود در بدن تعیین می‌شود: زردآب سیاه، زردآب زرد، بلغم و خون. تئوری چهار مزاج انسانی به مدت ۱۵۰۰ سال استفاده می‌شد تا اینکه مطالعات علمی عصر روشنفکری بتدریج اعتبار آن را کم کرد. اما این سیستم با دمی هنوز هم در زبان و فرهنگ ما نقش بازی می‌کند؛ چون که این تئوری یک بینش مفید در مورد انسان ارائه می‌دهد.

بینش عمده می‌باشد درک غیررسمی در میان روانشناسان همواره بر این بوده است که تیپهای شخصیتی به نوعی در میان انسانها وجود دارند. مشکلی که در میان روانشناسان وجود دارد این است که مشخصات درستی را برای تیپهای اصلی پیدا نکنند، هر چند ممکن است این مشخصات موجود باشند، اما مهم این است که کدام یک واضح، معنی‌دار، مفید و جامع هستند. ویژگیهای یک تیپ نباید با ویژگیهای تیپ دیگر همپوشانی داشته باشد، هر چند آشکار است که شباهتهایی مابین تیپهای مختلف قابل تصور است. هر تیپ شخصیتی اصلی باید افراد را طوری توصیف کند که برای آنها معنی‌دار باشد یا حداقل برای اهل فن معنی‌دار باشد، و در صورت امکان، به لحاظ علمی قابل تأیید و تصدیق باشد. یک

۱- «تجربه نشان داده است که ... شخصیت انسانها ... ممکن است در انواع مختلفی گروهبندی شوند، و این روش خوبی برای مطالعه‌ی آنها است. طبقه‌بندیها نباید خیلی جدی در نظر گرفته شوند - آنها تفکر را نابود می‌کنند - اما ترس از استفاده از آنها از تفکر بیشتر جلوگیری می‌کنند» (کارل آ. منیگر، ذهن انسان به نقل از Personality Types, p431. کارل آگوستوس منیگر Karl Augustus Meninger (۱۸۹۳ - ۱۹۹۰ م.) روانپزشک آمریکایی که مطلب فوق از کتاب (The Human Mind) او نقل قول شده است. و کتاب «اعجاز روانکاوی» او به فارسی ترجمه شده است.

۲- بقراط (Hippocrate) طبیب بزرگ یونانی (۴۵۹ یا ۴۶۰ - ۳۵۵ قبل از میلاد). وی پدر طب یونانی و نخستین کسی است که به این فن جنبه‌ی علمی کامل داد و با تألیفات متعدد خود اساس علم پزشکی را در عالم بنیان نهاد. رک: تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی / ۱۳۶ و ...

۳- جالینوس القلوذی Galen of pergamon اهل برغامس (۱۳۱ - ۲۰۰ ق. م.) از پزشکان یونان باستان بود. او نه تنها غالب کتب بقراط را شرح و تفسیر کرده است بلکه، خود در طب و داروشناسی و تشریح، تألیفات و مطالعات مهم داشته است. رک: تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی / ۱۶ و ...

تیپ‌شناسی شخصیتی مفید آن است که عوام و همچنین اهل فن بتوانند در زندگی روزانه و موقعیتهای درمانی استفاده بکنند. یک تیپ‌شناسی جامع باید بتواند هر چقدر ممکن است تنوع بیشتری از انسانها را توضیح دهد، از سالم، تا متوسط، تا افراد دچار اختلال عصبی و حتی بیماران روانی.^۱

خصوصیات جالب توجه ایناگرام نشان می‌دهد که این سمبل، دسته‌بندیهای واضح، معنی‌دار، مفید و جامعی را پیشنهاد می‌کند. به نظر می‌رسد که ایناگرام، تیپهای شخصیتی را به دسته‌های تقسیم می‌کند که ما در زندگی روزمره مشاهده می‌کنیم. ایناگرام آنقدر جامع است که می‌تواند به عنوان چارچوبی برای تیپ‌شناسی‌های دیگر به کار گرفته شود و حتی در بسیاری موارد، بتواند آنها را تکمیل کند. اصول ایناگرام به عنوان یک سیستم، در دسترس و معنی‌دار هستند. انسانها خودشان و دوستانشان را در آن می‌بینند. و ایناگرام به این دلیل مفید است که کمک می‌کند ما خودمان را عمیقتر بفهمیم و همچنین دیگران را بهتر درک بکنیم.^۲

خلاصه اینکه ایناگرام، درست و نطقی، نظر می‌رسد. هر تیپ‌شناسی هرچقدر درست باشد، ما بیشتر متقاعد خواهیم شد که دسته‌بندی‌ها که آن پیشنهاد می‌کند به طور مصنوعی بر روی انسانها گذاشته نشده‌اند بلکه، طبعاً واقعی انسانها را نمایندگی می‌کنند. در این صورت، ما احساس خواهیم کرد که دسته‌بندیها به جای اینکه اختراع شوند، کشف شده‌اند. اگر این درست است، ما چه توضیحی برای ایناگرام می‌توانیم داشته باشیم؟ چگونه می‌توانیم درستی آن را ثابت بکنیم؟ آیا آن واقعاً همان تیپ‌شناسی است که روانشناسی دنبال آن است؟ چون جواب این سؤالات پیچیده و ذهنی هستند، انتظار می‌شویم تا تئوری ایناگرام را به صورت جزئی‌تر مطالعه کنیم.

ما تئوری ایناگرام را در دو قسمت بررسی خواهیم کرد: نخست، ایناگرام را با تیپ‌شناسی‌های دیگر مقایسه خواهیم کرد، و دوم اینکه، دلایل صریحی را توضیح خواهیم داد که چرا ایناگرام درست کار می‌کند.

۱- «من خوشحالم که خودم هستم، زیرا من شبیه تو نیستم، تو هم خوشحال باش که خودت هستی، چون اصلاً شبیه من نیستی، برای همین است که ما می‌توانیم با هم دوست باشیم، و چه خوب است دوستی دو انسان مثل ما، که اصلاً شبیه هم نیستند، اما همدیگر را دوست دارند.» (شل سیلور استاین به نقل از مهارتهای ارتباطی با مشتریان شاکي ۱۵۳)

۲- «همیشه و همه جا، خودت را به خاطر داشته باش.» (جورج گورجیف به نقل از The Wisdom of the Enneagram, p20)

انیاگرام و تیپ‌شناسی‌های دیگر

ویژگی‌های جالب توجه انیاگرام، موقعی بهتر آشکار خواهد شد که آن را با تیپ‌شناسی‌های دیگر مقایسه کنیم. مثل کارن هورنای^۱، زیگموند فروید^۲، کارل یونگ^۳، و سایر دسته‌بندی‌های آسیب‌شناسی که در روانپزشکی مورد استفاده قرار می‌گیرند. اگرچه این مقایسه‌ها خلاصه هستند ولی ما امیدواریم که خاطرنشان کنیم که انیاگرام نه تنها با سیستم‌های مدرن روانشناسی سازگار است بلکه، راه‌هایی را پیشنهاد می‌کند که ابهام‌های این سیستم‌ها را روشنتر می‌کند.^۴

«چرا جری تیپ‌انیاگرامی ما را می‌سازد؟»

یکی از بیزه‌های اولیه برای درک انیاگرام این است که ما خودمان را در تمام آن منعکس می‌بینیم. از یک دیدگاه، تیپ‌های شخصیتی استعاره‌هایی برای کارکردهای روانی مختلف در هر کدام از ما هستند.

ما به یکی از تیپ‌های نه‌گانه ترجیح می‌دهیم چون خود آگاهی ما به دلیل وراثت و تجربه‌های کودکی در یک مسیر شخصی گسترش پیدا کرده است. به هر حال، ما اساساً با تیپ شخصیتی خود متولد می‌شویم و آن نتیجه‌ی چیزی است که روانشناسان، به آن سرشت یا ذات می‌گویند. هر زنی که مادر شده باشد می‌داند که کودکان از یکدیگر کاملاً

۱- کارن هورنای Karen Horney (۱۸۸۵ - ۱۹۵۲ م.) که ره‌نگاه آلمانی پیرو مکتب فروید است ولی وی برخلاف فروید که علت اساسی بیماری‌های روانی را در سوختن کردن تمایلات غریزی و از همه مهم‌تر غرایز جنسی می‌داند، معتقد است که بیماری‌های روانی حاصل روابط خشن و ناهنجار افراد محیط با کودک می‌باشد. تعدادی از کتاب‌های او به فارسی ترجمه شده است. *شناسی عصبی زمانه‌ی ما* (ترجمه‌ی محمدجعفر مصفا)، *خودکاوی* (ترجمه‌ی کامبیز پارسای و محمدجعفر مصفا)، *تضادهای درونی ما* (ترجمه‌ی محمدجعفر مصفا)، *عصیت و رشد آدمی* (ترجمه‌ی محمدجعفر مصفا)، *روانشناسی زنان* (ترجمه‌ی دکتر محمد حسین سروری).

۲- زیگموند فروید Sigmund Freud (۱۸۵۶ - ۱۹۳۹ م.) عصب‌شناس اتریشی که پدر علم روانکاوی نامیده می‌شود. بسیاری از کتاب‌های فروید به زبان فارسی ترجمه شده است.

۳- کارل یونگ Carl Jung (۱۸۷۵ - ۱۹۶۱ م.) روانپزشک و متفکر سوئیسی که به خاطر فعالیت‌هایش در روانشناسی و ارائه‌ی نظریاتش تحت عنوان روان‌شناسی تحلیلی معروف است. یونگ را در کنار زیگموند فروید از پایه‌گذاران دانش نوین روانکاوی قلمداد می‌کنند. بسیاری از کتاب‌های یونگ نیز به فارسی ترجمه شده است.

۴- ترجمه از کتاب: *تیپ‌های شخصیتی Personality Types*, p 431-432. برای به ادامه‌ی توضیحات رک: *Personality Types*, p 431-454.

متفاوت هستند حتی موقعی که آنها در رحم مادر هستند.^۱ سپس کودک از تواناییهای سرشتی خود به عنوان اولین وسیله برای مقابله با استرسهای محیط استفاده می‌کند. اما در طی مراحل رشد، ساختارها و مکانیزمهای متنوعی از ناخودآگاهی نقش بازی می‌کنند تا کودک احساس امنیت کند و همین‌ها همچنین برای احساس هویت او محدودیت ایجاد می‌کنند. به عبارت دیگر، توسعه‌ی شخصیت فرد، همان‌طور که وسیله‌ای برای دفاع از خود در برابر تهدیدات محیطی است، به عنوان وسیله‌ای به منظور تطبیق با محیط عمل می‌کند. هشت تیپ شخصیتی دیگر، که ما به مقدار زیادی در طول زندگی خود توسعه می‌دهیم، جنبه‌های یکن از روح و روان ما را نمایندگی می‌کنند و قسمت مهمی از ما هستند.^۲

«چند نکته‌ی مهم درباره‌ی تیپ شخصیتی اصلی»

- ۱- انسانها از یک تیپ شخصیتی به تیپ شخصیتی دیگر تغییر نمی‌کنند. به عبارت دیگر، تیپ شخصیتی هیچ کس عوض نمی‌شود.
- ۲- توصیف تیپهای شخصیتی، فراگیر و مدعی است و در مورد مردان و زنان به یک نسبت مصداق دارد، بنابراین، هیچ تیپی ذاتاً مردانه و بارانه نیست.
- ۳- هیچ چیزی در توصیف تیپ شخصیتی شما در همه‌ی زمانها در مورد شما صدق نمی‌کند، برای اینکه شما دائماً در میان لایه‌های عالی، متوسط و ناسالم رفتارهایی که شخصیت اصلی شما را می‌سازند، در نوسان هستید.
- ۴- ایناگرام، شماره‌ها را فقط برای مشخص کردن هر تیپ شخصیتی تخصیص می‌دهد برای اینکه اعداد خنثی هستند - آنها تمام نگرشها و رفتارها را نمایندگی نمی‌کنند بدون اینکه مشخص کنند چه رفتارهایی مثبت و چه رفتارهایی منفی هستند. برجها و برجسبایی که در روانپزشکی مورد استفاده قرار می‌گیرند، شماره‌ها بدون اینکه تحقیرآمیز باشند، راهی بی‌غرض و کوتاه برای توضیح مقدار زیادی اطلاعات در مورد هر تیپ هستند.
- ۵- ترتیب شماره‌گذاری تیپها مفهوم خاصی ندارد، یک شماره‌ی بزرگ، بهتر از یک شماره‌ی

۱- پاورقی نویسنده: بر اساس گزارش دیوید دانیلز، روانشناس بازنشسته‌ی استنفورد، مطالعاتی که دکتر الکساندر توماس و دکتر استیلا چس در دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه نیویورک، بدون اطلاع از ایناگرام، انجام دادند، نشان می‌دهد که بر اساس مشاهدات تجربی، نه الگوی رفتاری ذاتی در نوزدان تشخیص داده شده است. این مطالعه‌ی برجسته، مطالعه‌ی طولی نیویورک نامیده می‌شود. ترجمه از: کشف خصوصیات شخصیتی خود، p7، Discovering your Personality Type.

۲- ترجمه از کتاب: کشف تیپ شخصیتی خود، p7-8، Discovering your Personality Type.

کوچک نیست، شماره‌ی «نه» بودن بهتر از شماره‌ی «دو» بودن نیست به این دلیل که «نه» شماره‌ی بزرگتری است.

۶- هیچ تپیی ذاتاً بهتر یا بدتر از یک تپ دیگر نیست. در صورتی که همه‌ی تپهای شخصیتی پتانسیلها و استعدادهای منحصر به فردی دارند، بعضی تپها در بعضی فرهنگها و یا گروهها بیشتر طرفدار دارند. بنابراین، به هیچ دلیلی، شما نباید به دلیل داشتن تپیی خاص، خوشحال یا ناراحت باشید. ممکن است شما احساس بکنید که تپ شخصیتی شما، در بعضی موارد، ناخواستی و اشکال دار است. اما وقتی بیشتر در مورد همه‌ی تپها مطالعه می‌کنید، می‌بینید که هر تپ شخصیتی نقطه قوت‌های خاص خود را دارد، همان‌طور که تمامه ضعفهای خاص خود را دارد. اگر بعضی از تپهای شخصیتی در جامعه‌ی غرب، ارجمند شده می‌شوند، به دلیل این است که آن جامعه بعضی کیفیتها را ارجمند می‌شمارد. این به دلیل ارزشمند بودن آن تپها نیست. ایده آل بهتر بودن خودتان است، نه تقلید کردن تپهای دیگر.»

«کمترین چیزی که از انرا ما را راهنمایی می‌کند این است که یاد بگیریم چگونه آگاهانه خود شخصیتی خود را به خود بزرگ تری تسلیم بکنیم تا اینکه بتوانیم در سفر مقدس زندگی، مسافری هوشمند را که سیم در حقیقت، این متضمن ترک چیزی اندک - تپ شخصیتی ما - برای به دست آوردن هدیه‌ای بزرگ است: زنده بودن جان و روان.»

۱- ترجمه از سایت: www.enneagraminstitute.com

۲- شاید خالی از لطف نباشد سفری را که مولانا جلال‌الدین رومی پس از ملاقات با شمس تبریزی شروع کرد به این سفر تشبیه کنیم. این سفر «شرح جهش جانانه و جنون من جان» جوانمردی است که پیش از آنکه صبح معرفت از مشرق سرش بردم و «شمس» عشق در افق اقبال طالع شود، زاهدی با ترس، سجاده نشینی با وقار، شیخی زیرک، مرده‌ای گریان، و شمع جمع منبسط به وقت می در چنگال شیرینی شیخ گیر افتاد و دولت عشق را نصیب برد، زنده‌ای خندان، عاشقی پران، بر سعی یوسف زاینده و آفتابی بی سایه شد و این همه را وامدار آن بود که دلیرانه و کریمانه و فارغ از بندگی و سلطنت و شریعت و ملت، تن به قضای عشق داد و پا در قماری عاشقانه نهاد... خنک آن قمار بازی که بباخت آن چه بودش / بنماند هیچش الا هوس قمار دیگر... «قمار عاشقانه / هفت الی هشت» مرده بدم، زنده شدم، گریه بدم، خنده شدم / دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم / دیده‌ی سیر است مرا، جان دلیر است مرا / زهره‌ی شیر است مرا، زهره‌ی تابنده شدم / گفت که «دیوانه نی، لایق این خانه نی» / رفتم دیوانه شدم، سلسله بندنده شدم / گفت که «سرمست نی، رو که از این دست نی» / رفتم و سرمست شدم و ز طرب آکنده شدم / گفت که «تو کشته نی، در طرب آغشته نی» / پیش رخ زنده کنش کشته و افکنده شدم / گفت که «تو زیرککی، مست خیالی و شکی» / گول شدم، هول شدم، وز همه برکنده شدم / گفت که «تو شمع شدی، قبله‌ی این جمع شدی» / جمع نیم، شمع نیم، دود پراکنده شدم / گفت که «شیخی و سری، پیش

اما اولین قدم در این راه مستلزم اشتیاق به مشاهده‌ی خودمان است تا بتوانیم دستورات تیپ شخصیتی خودمان را متوقف بکنیم.

این روند رشد را هر چیزی که بنامیم - زندگی در گوهر وجود، رشد فضائل، حرکت به سمت ثبات و تعالی - یک حرکت تکاملی است، یک حرکت مارپیچی به سمت بالا که پایانی ندارد تا تمام کمالاتی را که به منظور خدا شدن نیاز است، کسب کند، هر چند که این غیر ممکن است (اگر بخواهیم یک ارجاع مذهبی بدهیم، شبیه خدا شدن - تا مقداری از کمالاتی را که خدا در حد کمال دارد، به دست بیاوریم). اگر عده‌ای این تلاش بی پایان برای افزایش کمالات (یا تواناییهای شخصی) را یک پیگیری خسته کننده برای رسیدن به یک هدف غیر قابل دسترس بدانند، به خاطر این است که آنها این موفقیت بزرگ را که نتیجه‌ی یک خودبزرگاری است، تجربه نکرده‌اند. اگر به یکپارچگی و رشد پیوسته فقط به

رو و راهبری / شیخ نیم، پیش نیم امر تو / آینده شدم / گفت که «با بال و پری، من پر و بالت ندهم» / در هوس بال و پرش، بی پر و پر شده شدم / گفت مرا دولت نو: «راه مرو، رنجه مشو / زان که من از لطف و کرم سوی تو آینده شدم» / گفت مرا عشق کهر: «از بر ما نقل مکن» / گفتم: «آری نکنم، ساکن و باشنده شدم» / چشمه‌ی خورشید تویی، سایه در سدم / چون که زدی بر سر من، پست و گدازنده شدم / تابش جان یافت دلم، و اشد و بشکافت دلم / اطلب از فتنه دشمن این ژنده شدم ... از توام ای شهره قمر، در من و در خود بنگر / کز اثر خنده‌ی تو / شش خندنده شدم. «غزلیات شمس تبریز / ۷۱۹»

۱- «و به هر زخمی تو پر کینه شوی / پس کجایی صیقل آینه شدن» (رومی؛ به نقل از The Wisdom of the Enneagram, p45) نقل به صورت شعر از مثنوی معنوی، دهر احوال / ۲۹۸۵. منظور از رومی (Rumi) در آن، جلال الدین محمد بن محمد مشهور به مولوی (۶۰۴ - ۶۷۱ ق) است که مثنوی معنوی، دیوان غزلیات شمس، فیه مافیه، مکتوبات، مجالس سبعه از آثار او هستند. در آنها به زبانهای مختلف دنیا ترجمه شده‌اند و در همین کتابهای ایناگرام به وسیله‌ی نویسندگان آن، متن و معنیهای زیادی از مولوی آورده شده است. و اضافه می‌شود که آموزه‌های مولوی قرابت عجیبی با آموزه‌های استادان ایناگرام دارد و دلیل همین نقل قولها همین قرابتهاست. در حقیقت کیست که همنشین مولانا شد و مولانا او را صید نکند. «چو آب آهسته زیر که در آیم / به ناگه خرمن که در ربایم». به دولت همنشینی با مولوی آتشی در پیشه‌ی اندیشه‌ی آدمی می‌افتد که سجاده نشینی با وقار، بازیچه‌ی گوی کودکان می‌شود و چون کبوتری مست، گرد این بام و کبوتر خانه پر می‌زند. «در این بازار پرسروصدای زندگی مصرفی، مولوی رفیقی است با دستان کریم که ساز مثنوی او آهنگ تحسین عقل و عشق و اخلاق و آزادی را با هم می‌نوازد و کلیدی است که درهای امید آدمیان را می‌گشاید و هنر زندگی را تعلیم می‌دهد.» (نقل از دکتر ناصر مهدوی در مقدمه‌ی کتاب «زیباترین قصه‌های مثنوی» / ۱۴) «این آتش افروخته در پیشه‌ی اندیشه‌ها، در دو محور تفکر و احساس - که بیش و کم با هم سر سازگاری ندارند - به مرحله‌ای از تعالی و گسترده‌ی شخصیت رسیده که به دشواری می‌توان دیگر بزرگان تاریخ و ادب بشری را در کنار او و با او سنجید و هم اینجاست نقطه‌ی معمایی و نقیضی (Paradoxical) حیات و هستی او که در دو جهت متناقض در اوج است. او از یک سو متفکری بزرگ است و از سوی دیگر دیوانه‌ای عظیم و شیدا.» (نقل از دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی در مقدمه‌ی کتاب غزلیات شمس تبریز / ۱) «اینک بیش از سی

عنوان یک تجمیع فضائل غیر عملی اندیشیده شود، مثل مدالهای لیاقتی که به یک مجموعه افزوده می‌شوند، این اقدام خطیر رضایت‌بخش نخواهد بود. اما موقعیت واقعی با این تصور فاصله‌ی زیادی دارد.

کسب تواناییهای کمال بخش شخصیت انسان را توسعه می‌دهد. با انجام کارهای با فضیلت، و زندگی در گوهر وجود، انسان قابلیت زندگی آگاهانه و عمیقی را پیدا می‌کند و آقای زندگی خود می‌شود. زمینه‌های جدید و عمیقی در انسان رو به کمال و ثبات متولد می‌شوند. آفرینش منابع درونی، تجربه‌ی خود پرورش یافته، نیرومند و خلاق، کار خارق، عاده‌ای است.^۱ در این صورت، این ضرب المثل: فضیلت، پاداش فضیلت است^۲ معنی جدیدی پیدا می‌کند: پاداش فضیلت، شادمانی است که از فهم این نکته به دست می‌آید که ما خارج از تیپ شخصیتی خود زندگی می‌کنیم و در این صورت خود واقعی خویش را به‌صورتی زندگی آورده‌ایم. در این صورت همیشه این واقعیت باقی خواهد ماند که ارزش رشد در خود در درون هر کس پیدا خواهد شد. در لحظات خودباوری، ما کشف خواهیم کرد که بالاتر از رهایی از تیپ شخصیتی، این خودباوری با خلق توانایی و اشتیاق به خودش، به ما پاداش دیرری هدیه می‌کند.

با یکپارچگی و رشد پیوسته، ما دانه‌ای به سمت توسعه‌ی زندگی حرکت خواهیم کرد و در زندگی، هیچ چیزی بهتر از مشارکت در روند خلاقیت نیست. انسانهای یکپارچه و

← سال است که به دولت همنشینی با آن روح بزرگ، آن عرش نشین، آن شمع خاموشان، «آن رستخیز ناگهان، آن رحمت بی‌منتها / آن آتش افروخته در پیشانی اندیشه‌ها»، آن نابغه‌ی نادره‌ی تاریخ، آن شهسوار عالم معنا، آن فلک پیمای چست خیز، آن مه‌روی «تال‌خدا»، و آن خوانسالار فقیر محمدی، حضرت خداوندگار مولانا جلال‌الدین محمدبن محمدبن حسین باغی رومی، قدس الله نفسه الزکیه، مباهی و متہجم و کمتر شب و روزی بوده است که به دل یا به زبان، آشکارا «نہان» سخنی از او یا با او نگویم و ضمیر خود و دیگران را با نام و کلام او مطرأ و مطہر و مسرور و منعم کنیم.» (نقل از دکتر عبدالکریم سروش در مقدمه‌ی چاپ مثنوی معنوی/سی و یک).

۱- «خودت را بشناس، فرض کن خداوند تو را مطالعه نکرده است، بهترین مطالعه در مورد بشر، خود انسان است.» (الکساندر پوپ، مقاله‌ای در مورد انسان به نقل از Personality Types, p3) الکساندر پوپ، شاعر و منتقد انگلیسی (۱۶۸۸ - ۱۷۴۴ م): الکساندر پوپ پس از شکسپیر و تینسون، سومین نویسنده‌ای است که «فرهنگ گفتاوردهای اکسفورد» از او بیشترین نقل قولها را آورده است.

۲- بنجامین فرانکلین، Benjamin Franklin (۱۷۰۶ - ۱۷۹۰ م). توانمندیهای هدر رفته را «ساعتهای آفتابی در سایه» نامیده است. (نقل از کشف توانمندیها / ۲۳) «استعدادهای خود را پنهان نکنید. استعدادها برای این خلق شده‌اند که به کار گرفته شوند. گذاشتن ساعت‌های آفتابی در سایه چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد؟»

توسعه یافته، شریک آفرینش روح و روان بشر، این راز محبوب و عظیم می شوند. از منظر روانی، توانایی مشارکت در آفرینش، به گوهر انسان، مقام و منزلت والایی عطا می کند. اما از منظر معنوی، این توانایی مفهوم عمیقی دارد، برای اینکه حرکت در جهت توسعه ی زندگی، حرکت به سمت خود هستی است. با هر قدم که به سمت هستی حرکت می کنیم، ما هستی را پشتیبان جستجوی خود می یابیم.^۲ در نهایت، جستجوی خود، و گوهر عمیق آن، به ملاقات با خدای رحمان اوج خواهد گرفت.^۳

«هرگز این غایت به طلب در نتوان یافت، اما جز طالبان درنیابند.»^۴

معرفی نویسنده و سایر دیگر مشارکت کنندگان و توسعه دهندگان ایناگرام

دان ریچارد ریزو* (۱۹۴۶-۲۰۱۲ میلادی) دارای مدرک کارشناسی ارشد، از نویسندگان و توسعه دهندگان ایناگرام در دنیای امروز است.

او دارای بیشترین کتب منتشره بالاترین کتب فروش رفته در این زمینه، رئیس مؤسسه ی ایناگرام تهیه ی شخصیتی^۵، از بنیانگذاران بنیاد ایناگرام^۶ و مدیر مؤسس سازمان بین المللی

۱- «من یک انسان هستم، هیچ بشری برای من نیست.» (ترنس، به نقل از Personality Types, pix)
پولیوس ترنتیوس آفر (در گذشته ۱۵۸ پیش از میلاد) که در زبان انگلیسی بیشتر به نام ترنس Terence شناخته می شود یک نمایشنامه نویس روم باستان بود که نمایشنامه نوشته ی او موجود است و جمله ی فوق از نمایشنامه ی (The Self-Tormentor) (163 BC) Heauton Timorumenos نقل شده است.

۲- «از خویشتن خویش برون آمدم آنگونه که مار از پوست خود؛ آنگاه در خویشت گریستم. دیدم که من اویم.» (ابویزید البسطامی به نقل از The Wisdom of the Enneagram, p376) متن فارسی از کتاب دفتر روشنائی/بندهای ۱۳۰ و ۲۷۴ آورده شد. این مطلب در تذکرة الاولیاء عطار نیشابوری نیز نقل شده است، ابویزید البسطامی، Abu Yazid Al-Bastami (۳۸۱ - ۴۷۷ ق) از عارفان بنام ایران اسلام است. دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در مقدمه ی دفتر روشنائی ۲۹ می نویسد: «هم به دلیل تقدم زمانی و هم به دلیل جسارت روحی و پیشاهنگ بودن در عرصه ی تجارب روحی مرتبط با الاهیات عرفانی، بایزید در میان عارفان اسلام و ایران جایگاهی دارد که بی گمان در طول قرون و اعصار منحصره فرد باقی مانده است.»

۳- ترجمه از کتاب درک و فهم ایناگرام: Understang the Enneagram, p380-381.

۴- متن فارسی به نقل از بایزید بسطامی از تذکرة الاولیاء ۱۹۶ آورده شد و در کتاب درک و فهم ایناگرام، Understang the Enneagram, p: vi به این صورت آمده است:

"This thing we tell of can never be found by seeking, yet only seekers find it"

5. Enneagram Personality Types, Inc.

6. Enneagram Institute

اینیگرام^۱ است. «دان» در زمان فوت، به مدت بیش از ۲۵ سال اینیگرام را در سراسر دنیا تدریس می‌کرده است. از پنج کتاب پر فروش او «حکمت اینیگرام»^۲، «تیپهای شخصیتی»^۳، «درک و فهم اینیگرام»^۴، «کشف تیپ شخصیتی شما»^۵ و «تغییر و تحول بر اساس آموزه‌های اینیگرام»^۶ بیش از یک میلیون نسخه در سرتاسر دنیا به فروش رفته است و از تأثیر گذارترین کتابها در این زمینه هستند. آنها به زبانهای آلمانی، ایتالیایی، ژاپنی، چینی، کره‌ای، اسپانیایی، هلندی، مجارستانی، پرتغالی و دیگر زبانهای خارجی در دسترس هستند.

«دان» در نیواورلئان و لوس آنجلس بزرگ شده و به مدت ۱۳ سال در نیواورلئان، یسوعی (انجمن عیسی، سرباز مسیح یا سرباز سپاه دیانت) بوده است. او با رتبه‌ی دانشجوی ممتاز رفته‌ی ریان انگلیسی و فلسفه، به عنوان عضو جامعه‌ی افتخاری یسوعی، آلفا زیگما نو^۷ برگزیده شد. همکار، بنیاد فورد^۸ در استنفورد در جامعه‌شناسی (روانشناسی اجتماعی) بود. بعد از این که «دان» «انجمن عیسی» را ترک کرد، کار تمام وقت خود را در اینیگرام در سال ۱۹۷۵ شروع کرد.

«دان» به عنوان یک جستجوگر معنوی، عضو بنیاد گورجیف^۹ در نیویورک، و همچنین عضو مدرسه‌ی ریدهاون^{۱۰} (اعترافات ثبت شده: Diamond Heart) ا.ا.ج الماس^{۱۱} بود. او و «راس هادسون» تنها نویسندگان این سیستم^{۱۲} اینیگرام بودند که عضو همزمان «مدرسه‌ی گورجیف»^{۱۳} و «روش دیاموند»^{۱۴} بودند. همکاری و مشارکت «دان» (همراه راس هادسون^{۱۵}) در اینیگرام در بخش «مشارکت کنندگان اینیگرام» به عیب داده شده است. با اعتقاد به اینکه اینیگرام، بدون زیرساختهای روانشناسی مدرن^{۱۶} جای گرفته نمی‌شود، «دان» خود را وقف توضیح آشکار و سیستماتیک تیپهای شخصیتی و اصرار^{۱۷} اینیگرام به عنوان یک مجموعه‌ی کامل کرد. نوآوریهای «دان» (مثل توصیفهای سیستماتیک و مفصل تیپهای شخصیتی، نامهای

1. International Enneagram Association
2. The Wisdom of the Enneagram
3. Personality Types
4. Understanding the Enneagram
5. Discovering your Personality Type
6. Enneagram Transformations
7. Alpha Sigma Nu
8. Ford Foundation
9. Gurdjieff Foundation
10. Ridhawn School
11. A.H. Almaas
12. Gurdjieff Work
13. Diamond Approach
14. Russ Hudson

معروف تیپها، توضیح فلسفا و بالها، گروههای هورنویان^۱ و مطالب دیگر) اکنون چنان به صورت گسترده استفاده می‌شوند که بسیاری فکر می‌کنند این کشفیات قسمتی از بدنه‌ی اصلی اصول ایناگرام هستند که از زمان ایچازو یا نارانجو و حتی منابع قبل از آنها مورد استفاده قرار می‌گرفت. اما، کار اصلی «دان» (نه تنها مواردی مثل نمونه‌های بالا بلکه، مخصوصاً لایه‌های رشد و توسعه‌ی فردی) پایه و اساس تقریباً تمام کارهایی است که با ایناگرام انجام می‌شود. کتاب اول او «تیپهای شخصیتی»^۲ بعد از ۱۲ سال کار در سال ۱۹۸۷ منتشر شده و به معیار و نشان در این زمینه تبدیل شده است. لایه‌های رشد و توسعه‌ی فردی، ساختارهای روانی، شاخص نشان‌دهنده‌ی تیپهای ایناگرام ریزو هادسون^۳، پرسشنامه‌ی گونه‌های غریزی^۴ و بسیاری از ضمیمه‌های کار وی^۵ با تلاشهای فوق‌العاده‌ی «دان» برای ما امکان‌پذیر شده‌اند.^۶

«مشارکت‌کنندگان و هم‌راهان ایناگرام»

اگرچه ایده‌هایی که باعث به‌رشد آمدن ایناگرام مدرن شده‌اند، به دوران کهن بازمی‌گردند، دورانی که دست‌کم به فلسفه‌ی یونان باستان برمی‌گردد، اکثر اصولی که امروز در مورد ایناگرام آموزش داده می‌شوند، شامل روانشناسی تیپهای گانه‌ی شخصیتی، محصول کار نویسندگان معاصر است. به این دلیل، ایناگرام مجموعه قوانینی نیستند که در سنگها کنده‌کاری شده باشند بلکه، دستورالعملهایی هستند که در جریان روز به وجود می‌آیند. اگرچه ایده‌های اساسی زیادی وجود دارند که در میان اکثر نویسندگان و معلمان ایناگرام، مشترک است، اما تفاوت‌های مهمی نیز مابین آنها وجود دارد. بعضی مواقع این تفاوتها، تأکیدهایی هستند که بسیاری از معلمین می‌خواهند نام و نشان مخصوص خود را در این زمینه با داشتن یک ویژگی خاص داشته باشند. در مواقع دیگر، تفاوتها به‌خاطر کاس‌دهنده‌ی تئوریهای مختلف در مورد تیپهای شخصیتی، یا تمایلهای فلسفی بنیادی متفاوت است. در نتیجه، مفهوم مشخص تعریف‌شده‌ای به نام «ایناگرام» وجود ندارد؛ در این زمینه یکپارچگی وجود ندارد، و رویکردهای مختلفی از این مورد در سرتاسر دنیا ارائه شده است. بنابر این در عمل مقدار زیادی آشفتگی در نتیجه‌ی مشارکت نویسندگان و معلمان مختلف وجود

1. Homevian groups
2. Personality Types
3. RHETI questionnaire
4. IVQ: instinctual variant questionnaire
5. Practical applications

دارد. وجود مقداری از تصورات غلط در مورد این موضوع قابل درک است، زیرا ایناگرام در اصل در دهه‌ی هفتاد از سوی عده‌ای از جویندگان که گذرشان به متنهای پیچیده‌ی مدرسه‌ی «اریکا»^۱ و سنتهای «یسوعی»^۲ افتاده بود، انتشار یافته است. این متنها معمولاً به هیچ کسی منسوب نبود، و خیلی مشکل بود بدانی که چه کسانی آنها را نوشته‌اند. موقعی که انتشار کتابها شروع شد، مقداری شفاف‌سازی نیز همزمان پدیدار شد، اما همچنان، بسیاری را فرض بر این بود که همه چیز در مورد ایناگرام به سنتهای شفاهی صوفیان دوران باستان تعلق داشت و بنابراین متعلق به حوزه‌ی عمومی بود. آنها باور داشتند که هیچ کس کار خاص، در این زمینه انجام نداده است.

با این حال می‌توان گفت که واقعیت این نبود، و هر چه ایناگرام شناخته‌تر می‌شد، لزوم داشتن دانسته‌های روشن در مورد ریشه‌های تفسیرهای فعلی از ایناگرام، ضروری‌تر می‌نمود. با کمال تألم ما باید منتظر باشیم تا یک تاریخ انتقادی و غیروابسته از ایناگرام نوشته شود، تا همه، ادعاهای موافق و مخالف به طور کامل مورد بررسی قرار گیرند. تا زمانی که یک نفر مسئولیت نوشتن همچون کتابی را به عهده بگیرد، نویسندگان ایناگرام مجبور هستند به خوانندگان خود، اطلاع دهند که در مورد کدام سنت و روایت کار می‌کنند، از کجا مواد اساسی خود را گرفته‌اند، چگونه آنها را رشد داده‌اند، و خودشان چه همکاری و مشارکتی در این مورد داشته‌اند.

ما چون قصد نداریم که در این مورد استناد با سیمین حدادقل می‌خواهیم چیزهایی که در مورد توسعه و گسترش جدید ایناگرام لازم است، یادآور کنیم، فهرست مشارکتهای خود را برمی‌شمایم، و تعداد محدودی از مشارکت‌کنندگان اصلی زندگی آنها را نام می‌بریم. برای اطلاعات بیشتر در مورد توسعه و رشد تاریخی ایناگرام، لطفاً کتاب سنتی را مطالعه فرمایید. اولین شخصیت مهم در توسعه‌ی جدید ایناگرام، ایوانوویچ گورجیف (۱۸۷۲ - ۱۹۴۹ م.) است. گورجیف واسطه‌ی آوردن سمبل ایناگرام در حوزه‌ی معرفت انسان مدرن بود. گورجیف و مشهورترین دانش‌آموز او، پی. دی. آسپنسکی^۳، مطالب زیادی در مورد ایناگرام به عنوان یک سیستم فهم فرایندهای عالم وجود آموزش دادند، اما آنها چیزی در مورد ایناگرام تئیهای شخصیتی، یا وابستگیهای انسان آموزش ندادند (برای مطالعه‌ی بیشتر در

1. ARICA

2. JESUIT

3. P.D.Ouspensky

Books: In search of the Miraculous (1949), The fourth way (1957, 1971)

مورد تاریخچه‌ی ایناگرام به کتابهای «تیپهای شخصیتی»^۱ و «حکمت ایناگرام»^۲ مراجعه کنید. خیلی از ایده‌های فلسفی زیرساخت ایناگرام جدید، شامل مراکز آگاهی^۳ و غرایز^۴، وجود^۵، شخصیت^۶، مفهوم مشاهده‌گر خود^۷ و بسیاری دیگر، از آموزشهای گورجیف گرفته شده‌اند. کمتر شکی وجود دارد که پدر ایناگرام مدرن تیپهای شخصیتی، اسکار ایچازو است. همکاریهای وی در توسعه‌ی سیستم ایناگرام مدرن هسته‌ای را تشکیل می‌دهند که اکثر معلمین ایناگرام از آنها استفاده می‌کنند. از قرار معلوم، ایچازو اولین کسی بود که نه خصوصیت یا وضعیت بهشت را (که نزد نوافلاطونی‌ها، کابالیست‌ها، عرفان مسیحی، و دیگر منابع یافت می‌شدند) به عمل ایناگرام نسبت داد (لطفاً ارجاعات یاد شده و همچنین کتاب «درک و فهم ایناگرام»^۸ را ببینید). ایچازو نه گانه‌های جداگانه‌ای برای هیجانات^۹، عدم انعطاف فکری^{۱۰}، فضایل انسانی^{۱۱}، و اندیشه‌های قدسی^{۱۲}، و دیگر خصوصیتها ایجاد کرد. او همچنین تئوری

1. Personality types, p11-26
2. The Wisdom of the Enneagram, p19-25
3. Centers
4. Instincts
5. Essence
6. Personality
7. Notion of self-observation
8. Understanding the Enneagram, p31-56

۹- هیجانات عاطفی عکس‌العملهای احساسی اصلی به «مبود ارتباط با طبیعت وجودی ما را نمایندگی می‌کنند. نه گانه‌ی ایچازو برای هیجانات عاطفی (Essions) به ترتیب از تیپ یک الی نه: خشم (۱)، غرور (۲)، دروغ (۳)، حسادت (۴)، طمع (۵)، تردید (۶)، شکم باغی (۷)، شهوت (۸)، تنبلی (۹) هستند. (به نقل از Understanding the Enneagram, p38) رک: همین کتاب ص ۳۸.

۱۰- فقدان اندیشه‌ی قدسی منجر به یک خودفریبی خاص درباره‌ی خود یا «تثبیت شدن» می‌شود که آن را عدم انعطاف فکری تیپ شخصیتی می‌گویند. نه گانه‌ی ایچازو برای عدم انعطاف فکری (Ego Fixation) به ترتیب از تیپ یک الی نه: رنجش و تلخکامی (۱)، تملق‌گویی و چاپلوسی (۲)، تک‌بعدی و سبزه‌گری (۳)، افسردگی و مالیخولیا (۴)، حساست (۵)، ترسو بودن (۶)، برنامه ریزی لذت جویانه (۷)، انتقام جویی و ستیزه‌گری (۸)، بی‌حالی ذهنی - روانی (۹) هستند. (به نقل از Understanding the enneagram, p38) رک: همین کتاب ص ۱۹۸.

۱۱- فضایل، کیفیات فراگیر و ویژه از وجود را نشان می‌دهند که در یک تجربه‌ی مستقیم و درک‌شده‌ی افراد در طبیعت اصلی آنها مستقر شده است. نه گانه‌ی ایچازو برای فضایل (Virtues) به ترتیب از تیپ یک الی نه: آرامش (۱)، فروتنی (۲)، راستگویی (۳)، بردباری (۴)، عدم وابستگی (۵)، شجاعت (۶)، متانت (۷)، معصومیت (۸)، عمل (۹) هستند. (به نقل از Understanding the Enneagram, p38) رک: همین کتاب ص ۱۹۵.

۱۲- اندیشه‌های قدسی چشم‌اندازی مخصوص از وجود - راههایی خاص برای شناخت و درک یگانگی وجود - را نمایندگی می‌کنند. نه گانه‌ی ایچازو برای اندیشه‌های قدسی (Holy Ideas) به ترتیب از تیپ

فلشها، تئوری بالها، و ایده‌های مربوط به غرایز و مراکز سه‌گانه را به انیاگرام مرتبط کرد. بفهمی نفهمی، تمام نویسندگان انیاگرام جدید، کارهای خودشان را بر مبنای مفاهیم اصلی ایچازو ساخته‌اند.

مشارکت‌کننده و همراهی‌کننده‌ی مهم بعدی انیاگرام مدرن، کلودیا نارانجو است. نارانجو، که شاگرد فریتس پرلز، بنیانگذار گشتالت درمانی بوده است، انیاگرام را از ایچازو در طول یک برنامه‌ی خودباوری فشرده در مدرسه‌ی اریکا در سال ۱۹۷۰ در شیلی آموخت. او همان سال بعد از برگشت از شیلی، شروع به آموزش ایده‌های این سیستم به یک گروه کوچک در کالانیا کرد. نارانجو از دانسته‌های قبلی خود در روانپزشکی برای مهارت در تنظیم روابط بین‌تپ شخصیتی که ایچازو توصیف کرده بود و دیگر طبقه‌بندی‌های روانشناسی استفاده کرد. سن‌های تشخیصی و آماری (DSM) اختلالات شخصیتی، مکانیزم‌های مختلف دفاعی، تئوری‌های دیگر شخصیتی، و ایده‌های دیگری در مورد فلشها توسعه داد، و نام‌های دیگری را وصف‌های کوتاه دیگری برای ترکیب ۲۷ تپ شخصیتی انیاگرام و غرایز (تیپ‌های فرعی) ارائه داد. نارانجو همچنین اولین کسی بود که گروه‌های نمونه‌ای استخدام کرد تا میزان معتبر بودن انیاگرام تیپ‌های شخصیتی را به دانش‌آموزان نشان دهد.^۳

یک‌الی نه: کمال قدسی (۱)، اراده قدسی / اراده قدسی (۲)، قانون قدسی / امید قدسی (۳)، سرچشمه‌ی قدسی (۴)، علم متعالی قدسی / شفافیت قدسی (۵)، ایمان قدسی (۶)، خرد قدسی / طرح قدسی (۷)، حقیقت قدسی (۸)، عشق قدسی (۹) هستند. (به نقل از Understanding the Enneagram, p38) رک: همین کتاب ص ۱۹۷.

1. Fritz Perls

۲- «غرایز سه‌گانه، سه دسته از تمایزات هستند که برای درک شخصیت بسیار اهمیت دارند... هر یک از ما یک غریزه‌ی صیانت نفس داریم (برای حفظ بدن و حیات و عملکردهای آن)، یک غریزه‌ی جنسی داریم (برای تداوم خودمان در زیست محیط و در میان نژادها)، یک غریزه‌ی اجتماعی (برای همراهی با دیگران و شکل دادن روابط امن اجتماعی)... هنگامی که تمایزات و تمایزات این غرایز سه‌گانه را با گونه‌های نه‌گانه متصل می‌سازیم، ۲۷ ترکیب منحصر به فرد از گونه و غریزه حاصل می‌شود و وجود می‌آوریم که برای تفاوتها و گوناگونی درون گونه‌ها به کار می‌رود.» (نقل از نه‌گانه شخصیت / ۴۵ - ۴۷)

۳- «یک دسته هم کتاب‌های خود نارانجو است که عمیقترین آنها Character and Neurosis نام دارد. نارانجو کتاب دیگری هم به نام Enneagram in Life and Literature نوشته است و در ادبیات غرب، تیپ‌های شخصیتی کاراکترهای رمان‌ها را پیگیری کرده، به عنوان مثال، در آثار بالزاک حتی تیپ‌های شخصیتی داستان‌های او را مشخص کرده است. در این زمینه، او حتی به منطق الطیر هم اشاره کرده است. چون می‌دانیم که در منطق الطیر هم تیپ‌های شخصیتی وجود دارد و هر یک از پرندگان یا مرغان منطق الطیر شاخص یک تیپ هستند، به عنوان مثال: بلبل تیپ چهار (رمانتیک - عاشق پیشه) است، باز تیپ هشت (رئیس) است، جغد به تیپ پنج (مشاهده‌گر) شباهت دارد و بط یا مرغابی که سواس شستشو دارد تیپ یک (کمال‌گرا) است و طاووس به تیپ سه (توفیق طلب اجتماعی) شبیه است.» (نقل از انیگرام یا